

تأملی بر نظام چینش آیات در قصص قرآنی با تأکید بر آیات روایت‌گر طوفان نوح(ع) در سوره هود(ع)

منصور پهلوان^۱، فرهاد احمدی آشتیانی^۲

(تاریخ دریافت مقاله: ۹۷/۱۰/۵ - تاریخ پذیرش مقاله: ۹۸/۳/۵)

چکیده

قرآن کریم از قالب روایت‌گری داستان‌ها برای بیان معارف بهره برده است. علی‌رغم کوشش‌های تفسیری فراوان، در حوزه قصص قرآنی، بررسی شیوه روایت‌گری خداوند در این آیات، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. چینش آیات روایت‌گر طوفان نوح(ع)، در سوره هود(ع) با فرض آنکه بر اساس سیر زمانی به توصیف حوادث واقع شده در طوفان می‌پردازد، با تعارض‌هایی روبرو است. این پژوهش با پیشنهاد الگوی «رگ‌برگی» برای این آیات، ضابطه‌ای برای عدم رعایت توالی زمانی، در چینش این آیات به‌دست می‌دهد. با تفکیک جملات مربوط به دو گروه مؤمنان و کافران از یکدیگر و قرار دادن آن‌ها در الگوی رگ‌برگی، طرحی از کل وقایع ماجرای طوفان، به ترتیب زمان وقوع شکل خواهد گرفت. این نظام چینش آیات، ضمن آنکه می‌تواند در تفسیر برخی دیگر از روایت‌های قرآن کریم مورد توجه قرار گیرد، نخست روشن می‌سازد که گفتگوی میان نوح(ع) و فرزندش در آستانه برپایی طوفان انجام گرفته است و نه بعد از به حرکت در آمدن کشتی و دوم آنکه دعای نوح(ع) برای نجات فرزندش نه بعد از پایان یافتن طوفان، آن‌چنان که ترتیب آیات سوره هود(ع) نشان می‌دهد، بلکه درست پس از روده شدن فرزند نوح(ع) توسط امواج صورت گرفته است. همچنین مطابق این نظام، جریان یافتن مقوله «سلام»، بعد از پایان یافتن صحنه پر خطر طوفان و ناآگاهی نوح(ع) از وضعیت اعتقادی فرزند خویش، به گونه‌ای نو تفسیر می‌یابند.

کلید واژه‌ها: الگوی رگ‌برگی، پیوستگی آیات، تفسیر ساختاری، ساختار سوره، هبوط

1. استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران؛
Email:pahlevan@ut.ac.ir

2. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛
Email:farhadahmadi@ut.ac.ir

۱. مقدمه

اگرچه آیات پرشماری از قرآن به بیان قصص اختصاص یافته‌اند، اما قرآن را نمی‌توان کتاب داستان‌پردازی دانست، بلکه داستان‌پردازی، یکی از قالب‌های مورد استفاده قرآن کریم برای بیان معارف است. خداوند این کتاب آسمانی را تبیاناً لکل شیء و هدایت [النحل: ۸۹]، شفاء [الإسراء: ۸۲] و ذکر حکیم [أل عمران: ۵۸]، معرفی می‌کند و در ابتدای سوره یوسف(ع) که تمام آن‌را به بیان یک داستان اختصاص داده است، آن‌را «احسن القصص» [یوسف(ع): ۳]، به معنای "بهترین بیان" معرفی کرده است و نه «احسن القصص» به معنای "بهترین داستان‌ها". طرح سرگذشت اقوام پیشین نیز در قرآن کریم به منظور بیان هدایت‌ها و حکمت‌ها صورت گرفته است. لذا ممکن است خداوند در روایت‌گری ماجراهای قرآنی، برای بیان دقیق‌تر حکمت‌ها، از بیان وقایع بر اساس سیر زمانی وقوع آن‌ها در گذرد و چینش آیات را بر اساس بیان حکمت‌های مهم قرآنی انجام دهد.

اگرچه تلاش‌های بسیاری برای تفسیر قصص قرآن صورت گرفته است، اما بررسی پیوستگی آیات و الگوی روایت‌گری خداوند در این آیات کمتر مورد توجه قرار گرفته است. تلاش برای فهم حکمتی که در این نحوه چینش آیات قرآن نهفته است، می‌تواند در کشف اغراض متعالی کتاب خداوند، راه‌گشا باشد و از سویی دیگر، بی‌اعتنایی به این موضوع سبب شده است تا گروهی با طرح مسئله زمان‌پریشی و مکان‌پریشی، در روایت‌گری‌های قرآنی، این موضوع را یکی از براهین غیر وحیانی بودن چینش آیات قرآن [۲۸، ج ۱، ص ۴۳؛ ۳۳، ص ۱۵۶] یا رؤیایی بودن زبان آن قلمداد کنند.

در این راستا چینش آیات ۴۰ تا ۴۹ سوره هود(ع) که مفصل‌ترین توصیف از صحنه برپایی طوفان نوح(ع) در قرآن است، مورد توجه مفسران قرار گرفته است. چینش این آیات با فرض آنکه بر اساس سیر زمانی به توصیف حوادث واقع شده در طوفان می‌پردازد، با دو چالش روبرو است: نخست آنکه بعد از سوار شدن نوح(ع) و یاران در کشتی و روان شدن آن در طوفان و در حالی که موج‌هایی به عظمت کوه‌ها، کشتی نوح(ع) را در میان خود گرفته و در آن صحنه عظیم طوفان درون خود شناور ساخته است، نوح(ع) فرزند خود را که در گوشه‌ای قرار دارد، مخاطب قرار می‌دهد و از او می‌خواهد تا همراه او بر کشتی سوار شود [هود(ع): ۴۲]. پسر نوح(ع) دعوت پدر را نمی‌پذیرد و در حین این گفتگو موجی میان آن دو حائل می‌شود و فرزند نوح(ع) غرق می‌گردد [هود(ع): ۴۳].

اما چگونه ممکن است که در طوفانی با امواجی چون کوه که کشتی عظیم نوح(ع) را در خود شناور کرده است و به پیش می‌راند، پسر وی آسوده در گوشه‌ای که قرآن کریم از آن به «معزل» تعبیر می‌کند، قرار گرفته باشد و به دعوت پدر بی‌اعتنایی کند؟ اساساً این گفتگو برای نوح(ع) که در کشتی با سرعت زیاد همراه با امواج در حال حرکت است و در آن خروش امواج و باد، چگونه می‌توانسته محقق شود؟ دیگر اینکه بر فرض پذیرش دعوت پدر، فرزند نوح(ع) چگونه می‌توانسته در دل طوفان بر کشتی در حال حرکت در میان امواج سوار شود؟ این پرسش‌ها روشن می‌سازد که این گفتگو نمی‌توانسته بعد از شروع طوفان و به حرکت در آمدن کشتی صورت گرفته باشد. بنابراین آیات ۴۲ و ۴۳ سوره هود(ع) بر اساس سیر زمانی وقوع حوادث به دنبال هم قرار نگرفته‌اند.

دومین زمان پریشی که در این آیات به چشم می‌خورد مربوط به آیات ۴۴ و ۴۵ است. آیه ۴۴ حاکی از فرو رفتن آب، پایان یافتن طوفان و قرار گرفتن کشتی بر کوه جودی است. اما در آیه ۴۵ نوح(ع) از خداوند درخواست می‌کند که فرزندش را نجات دهد. چرا نوح(ع) در همان صحنه‌ای که موج فرزندش را ربود، برای نجات وی درخواستی نکرد؟ درخواست نجات فرزند بعد از پایان یافتن طوفان و فروکش کردن آب و قرار یافتن کشتی چه جایگاهی دارد؟ آن هم طوفانی که بنابر نقل‌های مختلف، مدت آن چند ماه بوده است.^۱ چگونه می‌توان تصور کرد که بعد از گذشت چنین مدتی درخواست نجات فرزندش را داشته باشد؟

برخی از مفسران که به این تعارض‌ها توجه نشان داده‌اند، کوشیده‌اند تا عدم رعایت توالی زمانی در این آیات را به‌گونه‌ای توضیح دهند. اما علی‌رغم این تلاش‌ها در آثار این دسته از مفسران، به برخی از تعارض‌ها پاسخ درخوری داده نشده است و مهمتر آنکه

۱. بنابر نقل راوندی با اسناد خود از امام کاظم(ع)، نوح(ع) و اصحابش مدت ۶ ماه در کشتی بودند [۱۱]، ص ۵۱]. ابن‌اثیر نیز در *الکامل* مدت زمان بالا آمدن آب تا وقت فرونشستن آن را شش ماه و ده شبانه روز دانسته است [۳، ج ۱، ص ۲۶۱]. بعضی از پژوهشگران بر اساس روایتی از امام صادق(ع) [۲۴، ج ۲، ص ۱۴۶]، مدت زمان طوفان را هفت شبانه روز دانسته‌اند؛ اما دقت در این روایت نشان می‌دهد که امام صادق(ع) مدت زمان فرورفتن آب بعد از طوفان را، و نه مدت زمان کل طوفان، هفت شبانه‌روز دانسته‌اند. یعقوبی نیز در تاریخ خود در این مورد چنین می‌نویسد: «برخی روایت کرده‌اند که نوح در روز اول ماه رجب سوار کشتی شد و در ماه محرم، کشتی بر کوه جودی قرار گرفت. نوح پس از آرام گرفتن کشتی، چهار ماه توقف کرد، بدین ترتیب، فاصله بین رفتن نوح در کشتی و بیرون آمدنش از آن یک سال و ده روز به طول انجامید» [۳۴، ج ۱، ص ۱۳].

هیچ ضابطه‌ای برای پیش و پس شدن زمانی این آیات و دیدگاهی درباره نظام چینش آن‌ها یافت نمی‌شود. عدم رعایت توالی زمانی روایت یک ماجرا، بدون حاکم بودن یک نظام ضابطه‌مند سزاوار کلام خداوند نیست. اگر نظامی برای عدم رعایت توالی زمانی وجود نداشته باشد، احتمال وجود پریشانی زمانی، در روایت‌های قرآنی، قوت می‌گیرد. ناگفته روشن است که قوت یافتن چنین احتمالی فهم روایت‌های قرآنی را با چه موانع بزرگی مواجه می‌کند. این موضوعات طلب می‌کند تا این آیات به منظور کشف نظام چینش حاکم بر آن‌ها مورد پژوهش قرار گیرند. از سویی دیگر، محتمل است این نظام و شیوه گویش، در سیاق‌های دیگر قرآن نیز وجود داشته باشد. لذا کشف این نظام برای گشودن گره‌های دیگری در فهم قرآن کریم نیز می‌تواند مفید باشد.

این پژوهش بعد از تبیین آشفتگی‌های ظاهری روایت طوفان نوح(ع) در این آیات، دیدگاه‌های مفسران در این موضوع را مورد بررسی قرار داده و نشان می‌دهد، توجیه‌های مطرح شده از سوی ایشان با کاستی‌هایی همراه است. بررسی این آیات، به عنوان گروهی از آیات که درون پیکره سوره هود(ع) قرار گرفته‌اند، نشان می‌دهد که شیوه روایت‌گری خداوند، بر طبق الگویی انجام گرفته است که در این نوشتار «الگوی رگ‌برگی» نامیده شده است. این الگو ضمن آنکه تبیین درخوری برای نظام چینش این آیات فراهم می‌آورد و تعارض‌های ظاهری آن را رفع می‌کند، نتایج تفسیری جدیدی را درباره برخی از موضوعات مطرح در این آیات به دست می‌دهد.

۲. پیشینه پژوهش

در مواجهه با این نظم پریشان در آیات ۴۰ تا ۴۹ سوره هود(ع)، مفسران قرآن کریم دیدگاه‌های متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. آراء مفسران در این مسئله را می‌توان در سه بخش دسته‌بندی نمود:

۱. برخی از مفسران چینش این آیات را مطابق با سیر زمان قلمداد کرده‌اند. این مفسران اگرچه ماجرای طوفان نوح(ع) را بر اساس ترتیب آیات سوره هود(ع) پیش برده‌اند، اما توجهی به تعارض‌های پیش آمده از خود نشان نداده‌اند. برای مثال صاحب تفسیر «الفواتح/الالهیه»، از تفاسیر قرن دهم اهل سنت، گفتگوی میان نوح(ع) و فرزندش را در زمانی می‌داند که پسر نوح(ع) در میان آب قرار دارد. اما هیچ توضیحی مبنی بر اینکه او چگونه توانسته در طوفانی با امواجی چون کوه، خود را نگاه دارد و دعوت پدر را لیبیک نگوید، ارائه نمی‌دهد [۳۲، ج ۱، ص ۳۵۴].

بسیاری از تفاسیر کهن را می‌توان در این دسته جای داد. در بین تفاسیر شیعه، تفاسیرهای التبیان [۲۳، ج ۵، صص ۴۸۹-۴۹۴]؛ مجمع‌البیان [۲۰، ج ۱۲، صص ۶۱-۶۸] و روض‌الجنان [۷، ج ۱۰، صص ۲۷۲-۲۷۶] و در میان تفاسیر اهل سنت تفاسیرهای جامع‌البیان [۲۱، ج ۱۲، صص ۲۸-۳۱]؛ مفاتیح‌الغیب [۲۵، ج ۱۷، صص ۳۵۰-۳۵۷] و أنوارالتنزیل [۱۰، ج ۳، صص ۱۳۵-۱۳۷]، نمونه‌هایی از این تفاسیر هستند.

۲. گروه دیگری از مفسران به معضلات ناشی از قائل شدن به توالی زمانی این آیات توجه کرده‌اند. اما با مبنا قرار دادن رعایت توالی زمانی در چینش این آیات، کوشیده‌اند آیات را به‌گونه‌ای تفسیر کنند که توالی آیات سوره هود(ع) بر سیر زمانی وقوع حوادث منطبق گردد. اما تلاش‌های صورت گرفته از سوی این مفسران نتوانسته پاسخی درخور، برای چالش‌های ناشی از چنین مبنایی فراهم کند.

به عنوان مثال صاحب تفسیر نمونه، آیه ۴۲ سوره هود(ع) را نقطه آغاز طوفان می‌داند و بر این نظر است که گفتگوی میان نوح(ع) و فرزندش در زمانی واقع شده است که هنوز پسر نوح(ع) گمان می‌کرده، فقط با بارانی شدید مواجه خواهد شد [۳۱، ج ۹، ص ۱۰۰]، اما توجه به تمام بخش‌های این آیه به وضوح بطلان چنین فرضی را نشان می‌دهد. چرا که با توجه به جمله آغازین این آیه، یعنی عبارت «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ» به روشنی معلوم می‌گردد که با فرض رعایت شدن توالی زمانی در فقرات این آیه، گفتگوی نوح(ع) و پسرش مدت‌ها بعد از شروع طوفان و گرد آمدن آب تا حدی که در آن موج‌های بسیار عظیمی شکل گیرد و کشتی بزرگی را در خود شناور کند، بوده است.

در توجیه درخواست نوح(ع) از خداوند برای نجات فرزند خود [هود(ع): ۴۶]، بعد از پایان یافتن طوفان [هود(ع): ۴۵] نیز، کوشش‌هایی در میان آثار تفسیری دیده می‌شود. صاحب تفسیر التحریر و التنویر، تصریح می‌کند که دعای نوح(ع) در حق فرزند خویش، بعد از پایان یافتن طوفان بوده است و نوح(ع) بعد از ناامیدی از نجات فرزند خود در دنیا، از خداوند درخواست می‌کند که وی را از عذاب قیامت برهاند [۵، ج ۱۱، ص ۲۶۹]. ابن‌عجیبه، صاحب تفسیر البحرالممدید نیز ندای نوح(ع) را به‌جهت درخواست از خداوند برای تبیین حکمت غرق شدن فرزندش دانسته است [۶، ج ۲، ص ۵۳۳]، در حالی که با توجه به کلام نوح(ع) درباره فرزندش که به خداوند عرض می‌کند: «إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي» [هود: ۴۵] به جای آنکه بگوید: «ان ابني كان من اهلي»، نشان از آن دارد که فرزند او در آن زمان زنده بوده است و نوح(ع) جهت نجات او از غرق شدن به درگاه الهی روی آورده بود.

صاحب تفسیر روشن نیز برای رهایی از این پریشانی‌های ظاهری، در توجیه توالی این دو آیه، مخاطبه نوح(ع) با خداوند را خارج از قیود زمانی دانسته و چنین بیان کرده: «مخاطبه با خداوند متعال، زمانی و مکانی و جسمانی نباشد و خداوند متعال منزّه از این قیود و امور است» [۳۰، ج ۱۱، ص ۲۰۷].

۳. برخی دیگر از مفسران به عدم رعایت توالی زمانی در روایت‌گری طوفان نوح(ع) در این آیات و نامعقول بودن فرضیاتی که در راستای توجیه توالی زمانی از سوی سایر مفسران ارائه گردیده است، اذعان کرده‌اند. آلوسی در آیه ۴۲، این احتمال را که بعد از به‌راه افتادن امواجی به بلندی کوه‌ها، نوح(ع) پسرش را ندا داده باشد، غیر ممکن می‌داند و این گفتگو را تنها قبل از جدا شدن کشتی از خشکی قابل تصور می‌داند. همچنین از بعضی محققان نقل می‌کند که زمان این گفتگو، حتی پیش از سوار شدن بر کشتی بوده است [۲، ج ۶، ص ۲۵۶]. وی دعای نوح(ع) برای پسرش را نیز مربوط به قبل از غرق شدن او می‌داند و می‌گوید: واو عطف در آیه، مقتضی ترتیب زمانی نیست [۲، ج ۶، ص ۲۶۶]. غیر از برخی دیگر از مفسران نیز دعای نوح(ع) در مورد فرزندش را پیش از غرق شدن او می‌دانند [۱۴، ج ۲، ص ۴۴۵؛ ۲۶، ج ۳، ص ۲۸۲].

مراغی و طنطاوی در هر دو آیه ۴۲ و ۴۵ قائل به عدم رعایت ترتیب زمانی‌اند [۲۲، ج ۷، ص ۲۰۸ و ۲۱۳؛ ۲۹، ج ۱۲، ص ۳۸ و ۴۰]. ابوحنبل اندلسی نیز چنین نظری را برگزیده، واو عطف در هر دو آیه را مقتضی ترتیب زمانی نمی‌داند [۸، ج ۶، ص ۱۵۷]. زمخشری ذیل آیه ۴۵، ضمن اینکه ندای نوح(ع) را یک درخواست می‌داند، می‌گوید: این درخواست قاعدتاً پیش از غرق شدن پسر نوح(ع) واقع شده است. اما دلیلی برای این عدم توالی زمانی در بیان داستان‌ها ذکر نمی‌کند [۱۲، ج ۲، ص ۴۰۰].

اما این مفسران در هیچ یک از این موارد، رأی مختار خود را بر دلیلی استوار نمی‌کنند و ضابطه‌ای به‌دست نمی‌دهند. در هیچ یک از این آثار تفسیری نظامی برای نحوه چینش این دسته از آیات پیشنهاد نشده است و کشف شیوه روایت‌گری خداوند مورد توجه قرار نگرفته است. تنها برای عدم رعایت توالی زمانی در آیه ۴۲ سوره هود(ع)، در میان اندکی از آثار تفسیری، دلایلی آن هم بر اساس قرائن خارجی دیده می‌شود؛ آلوسی به دلیل آنکه بعد از حرکت کشتی در میان امواجی همچون کوه، امکان سوار شدن بر آن وجود ندارد، گفتگوی نوح(ع) و پسرش را قبل از شروع طوفان می‌داند [۲، ج ۶، ص ۲۵۶]. صاحب تفسیر *الفرقان* نیز به این موضوع اشاره کرده است [۱۵، ج ۱۴،

ص ۳۰۰]. ابن عاشور نیز عدم امکان متوقف کردن کشتی، بعد از به حرکت درآمدن آن در میان طوفان را دلیلی بر تقدم گفتگوی نوح(ع) و فرزندش بر آغاز طوفان معرفی می‌کند [۵، ج ۱۱، ص ۲۶۲].

علامه طباطبایی نگاهی عمیق‌تر در این مورد دارد. وی علاوه بر اینکه دعای نوح(ع) را قبل از غرق شدن فرزندش می‌داند، در پی کشف علتی برای این عدم توالی زمانی برمی‌آید و می‌نویسد: «اگر چه این آیات بعد از جمله «و استوت علی الجودی» آمده و هر چند ظاهرش این است که این استغاثه و دعای نوح(ع)، بعد از غرق شدن کفار و فرونشستن طوفان بوده، لیکن مقتضای ظاهر حال این است که استغاثه وی بعد از حائل شدن موج بین او و فرزندش واقع شده باشد. پس اگر در این آیات آن استغاثه را بعد از تمام شدن ماجرا ذکر کرده، برای این بوده که به بیان همه جزئیات داستان در یک‌جا عنایت داشته، جزئیاتی که همه‌اش هول‌انگیز است، تا نخست اصل داستان را به‌طور کامل در یک آیه بیان کند و سپس به بعضی جهات باقی‌مانده بپردازد» [۱۹، ج ۱۰، ص ۳۴۹].

اگر چه مطابق نظر صاحب‌المیزان، زمان وقوع آیه ۴۵ پس از آیه ۴۳ است، اما بنا بر نظر وی، اگر شیوه روایت‌گری در این آیات به این صورت است که ابتدا تمام ماجرای طوفان بیان شده و سپس بعضی جزئیات ذکر شوند، می‌بایست آیات مربوط به گفتگوی میان نوح(ع) و فرزندش نیز که در آیات ۴۲ و ۴۳ قرار گرفته‌اند، پس از آیه ۴۴ که مربوط به پایان طوفان است، قرار می‌گرفتند. از طرف دیگر در این تفسیر ضابطه‌ای برای بازگشت زمانی در آیات تبیین نشده است.

۳. نظام چینش آیات روایت‌گر طوفان نوح(ع) در سوره هود(ع)

۳.۱. نگاهی به پیکره آیات سوره هود(ع)

آیات روایت‌گر طوفان نوح(ع) در سوره هود(ع)، بخشی از آیات مربوط به ماجرای قوم نوح(ع) در این سوره است. کشف نظام چینش این آیات نیازمند آن است که غرض خداوند از شرح ماجرای قوم نوح(ع) در این سوره دقیقاً مشخص گردد. به‌راستی خداوند در سوره هود(ع) از کدام منظر به سرگذشت این قوم نگریسته و از طرح آن به‌دنبال کدام نتیجه‌گیری است؟ آیات مربوط به سرگذشت قوم نوح(ع)، به همراه آیات مربوط به سرگذشت پنج قوم دیگر از اقوام رسولان(ع)، در پیکره سوره هود(ع) قرار گرفته‌اند. بی‌شک خداوند از کنار هم قرار دادن شرح این شش سرگذشت، که ماجرای قوم نوح(ع)

نخستین و مبسوط‌ترین آن‌ها است، هدفی را دنبال می‌کند. اما از میان ماجراهای پرشمار اقوام پیشین در قرآن چرا این شش ماجرا در کنار هم در این سوره قرار گرفته‌اند؟ چه وجه مشترکی در میان ماجرای قوم نوح(ع) و سایر اقوام وجود دارد که هم‌سو با غرض اصلی این سوره مدنظر خداوند بوده است؟ آیات مربوط به این سرگذشت‌ها پاره‌ای از پیکره آیات نظام یافته در سوره هود(ع) هستند. لذا ضروری است تا برای یافتن پاسخ این پرسش‌ها و به دنبال آن کشف نظام چینش آیات روایت‌گر طوفان نوح(ع)، با نگاهی اجمالی به پیکره سوره هود(ع)، فضای کلی‌ای که این آیات درون آن قرار گرفته‌اند، ترسیم گردد.

شرح ماجرای اقوام پیشین در سوره هود(ع)، میان دو مجموعه از آیات در آغاز و پایان سوره قرار گرفته‌اند که هر کدام دارای بیست و چهار آیه هستند. خداوند در آیات آغازین این سوره، به کج‌رفتاری‌ها و آزارهای قوم رسول‌الله(ص) مانند بر سر کشیدن جامه‌ها [هود(ع): ۵] و سحر خواندن کلام ایشان [هود(ع): ۷] اشاره می‌کند؛ بعد از آن خداوند گروه دیگری را با رفتارهای صحیح معرفی می‌کند که صبر پیشه می‌کنند و اعمال صالح انجام می‌دهند [هود(ع): ۱۱] و در آیه دوازده خداوند رسول خویش را نهیب می‌زند که «مبادا برخی از آنچه به تو وحی شده ترک گویی و سینه‌ات برای آنچه ایشان می‌گویند، تنگ گردد». سپس خداوند مجدداً موضوع را به رفتار منفی افراد می‌کشد. رفتارهایی مانند انکار کردن رسالت رسول‌الله(ص) [هود(ع): ۱۲]، بشری دانستن قرآن [هود(ع): ۱۳] و دروغ بستن بر خداوند [هود(ع): ۱۸]. اما در این آیات خداوند بر سرانجام این افراد تأکید دارد و با آهنگ پربسامدی در آیات شانزده، هفده، هجده، بیست و بیست و دو، سرانجام ایشان را که آتش و عذاب خداوندی است متذکر می‌شود. در مقابل این افراد، خداوند سرانجام مؤمنان را مطرح می‌کند که ماندگار شدن در بهشت است [هود(ع): ۲۳]. در آخرین آیه این بخش خداوند در یک دید کلی این دو گروه را با هم مقایسه می‌کند و مثل آن‌دو را چون شخص نابینا و کر و شخص بینا و شنوا می‌داند: «مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَى وَالْأَصْمَى وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ» [هود(ع): ۲۴]؛ بنابراین شرح ماجرای اقوام پیشین، در فضای مقایسه رفتار دو گروه از افراد و بیان سرانجام هر دو گروه آغاز می‌گردد.

آیات پایانی سوره نیز که بعد از شرح ماجرای اقوام پیشین قرار گرفته‌اند، کاملاً هم‌سو با آیات آغازین سوره هستند. مطابق این آیات رفتارهای سوء و ظلم اقوام پیشین

سبب‌ساز نزول عذاب دردناک و شدید خداوند بر ایشان بوده است [هود(ع): ۱۰۲-۱۰۱] و خداوند علت بیان سرگذشت ایشان را تسلا و استوار کردن دل رسول خویش معرفی می‌کند: «وَ كَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ» [هود(ع): ۱۲۰]. در این آیات خداوند به‌طور مبسوط‌تری سرانجام دو گروهی را که در آیات آغازین سوره معرفی کرده بود، شرح می‌دهد. در اینجا نیز مانند آیات آغازین سوره، خداوند ابتدا سرانجام افراد شقی را بیان می‌کند که در آتش ماندگار خواهند بود [هود(ع): ۱۰۶-۱۰۷] و بعد از آن سرانجام سعدا را بیان می‌کند که در بهشت، جاودان می‌گردند [هود(ع): ۱۰۸].

انسجام میان آیات سوره هود(ع)، ایجاب می‌کند که خداوند از منظری به توصیف سرگذشت اقوام پیشین پرداخته باشد که کاملاً هم‌سو با آیات آغازین و پایانی سوره باشد. لذا حتی پیش از رجوع به آیات مربوط به سرگذشت اقوام، می‌توان انتظار داشت که خداوند در شرح ماجرای هر قوم ضمن بیان کج‌رفتاری‌ها و ظلم آن قوم در قبال رسول خود، سرانجام افراد آن قوم را در قالب دو گروه مؤمنان و کافران بیان کند. به‌گونه‌ای که ابتدا سرانجام کفار مطرح شود و بعد از آن سرانجام مؤمنان.

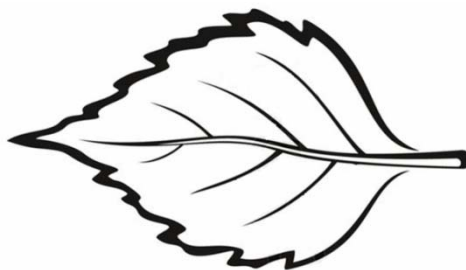
بررسی آیات مربوط به سرگذشت اقوام پیشین، این فرضیه را تأیید می‌کند. مقایسه روایت‌های شش‌گانه سوره هود(ع) مؤلفه‌های مشترکی را مشخص می‌کند. در هر روایت خداوند، رسولی را به سوی قوم ارسال می‌کند، آن رسول قوم را به عبادت خداوند دعوت می‌کند، اما قوم دعوت رسول خود را نمی‌پذیرد و بر عبادت الهه‌های خویش اصرار می‌ورزد. بعد از این رفتار، رسول وعده وقوع عذابی را به قوم خویش می‌دهد. در صحنه عذاب، خداوند گروه اکثریت کافر به دعوت رسولان را، در عذاب خویش قرار می‌دهد و گروه اقلیت مؤمن به رسول را از صحنه عذاب می‌رهاند.

بر اساس انسجام آیات سوره هود(ع) و حاکم بودن این رویکرد در شیوه روایت‌گری خداوند در این سوره، در آیات روایت‌گر طوفان نوح(ع) نیز باید این رویکرد را حاکم دانست. این موضوع، اقتضای آن را دارد که خداوند ماجرای طوفان نوح(ع) در این سوره را به‌گونه‌ای روایت کرده باشد که در آن اولاً رفتارهای دو گروه کافران و مؤمنان به صورت کاملاً تمایز یافته شرح داده شده باشد؛ ثانیاً سرانجام هر دو گروه به صورت مستقل از یکدیگر در صحنه عذاب توصیف شده باشد و ثالثاً به رفتارها و سرانجام کافران پیش از بیان رفتارها و سرانجام مؤمنان اشاره رفته باشد.

۲.۳. الگوی رگ‌برگی در روایت طوفان نوح(ع)

نظام حاکم بر شیوه روایت‌گری در سوره هود(ع) اقتضا می‌کند که روایت طوفان نوح(ع) در این سوره نیز در دو فضای مستقل، مربوط به دو گروه مؤمنان و کافران - که در ادامه این نوشتار از این دو فضا به اختصار با «فضای مثبت» و «فضای منفی» یاد خواهد شد - و پای‌بندی به سه ویژگی فوق‌الذکر انجام گرفته باشد. التزام هم‌زمان یک روایت به این سه ویژگی، الگویی از روایت‌گری را پدید می‌آورد که می‌توان آن را «الگوی رگ‌برگی» نامید. این الگو به شرحی که خواهد آمد، توان آن را دارد تا در برابر معضلات موجود در تفسیر این آیات، راه‌هایی جدید بگشاید و تبیینی نو از نظام چینش این آیات به‌دست دهد.

این شیوه روایت‌گری خداوند بسیار شبیه به رگ‌برگ‌های برگ یک گیاه است. در هر برگ، یک رگ‌برگ اصلی وجود دارد که برگ را به دو فضای مستقل از هم جدا می‌کند. با کمی فاصله گرفتن از ابتدای برگ، یک رگ‌برگ فرعی از رگ‌برگ اصلی به سمت راست جدا می‌شود و کمی جلوتر، یک رگ‌برگ فرعی به سمت چپ جدا می‌شود و بعد از آن دوباره یک رگ‌برگ به سمت راست و رگ‌برگ دیگر به سمت چپ جدا می‌شود و این روند تا انتهای برگ ادامه می‌یابد. در الگوی رگ‌برگی نیز روایت از دو فضای مستقل از هم تشکیل شده است و سیر روایت در هر فضا به صورت مستقل پی‌گرفته می‌شود. در این شیوه روایت‌گری، راوی بعد از پیش بردن بخشی از روایت در فضای اول، سراغ فضای دوم آمده و بخشی از رخدادهای آن فضا را تبیین می‌کند. بعد از آن دوباره به روایت، در فضای اول باز می‌گردد و با این نظم روایت را تا انتها پیش می‌برد. شکل شماره (۱) طرحی از این الگو را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۱. طرحی از الگوی رگ‌برگی

روایت طوفان نوح(ع) در سوره هود(ع) نیز مطابق با الگوی رگ‌برگی صورت گرفته

است. یعنی خداوند روایت را در یک فضای یک‌پارچه پیش نبرده است، بلکه سیر داستان را در دو فضای مستقل از هم جلو می‌برد؛ فضای اصلی یا فضای افراد مثبت که محور داستان است و غرض از برپایی صحنه‌ها را باید در این فضا جستجو کرد و فضای افراد منفی که یک فضای فرعی است و بعضی از ابعاد داستان با توجه به آن روشن می‌شود. با تفکیک جملات مربوط به دو فضای مثبت و منفی از یکدیگر و قرار دادن آن‌ها در الگوی رگ‌برگی، طرحی از کل وقایع ماجرای طوفان، به ترتیب زمان وقوع شکل خواهد گرفت، اما از آنجا که آیات مربوط به دو فضای مثبت و منفی در میان یکدیگر جای گرفته‌اند، نمی‌توان کل این آیات را در یک چینش خطی بر محور زمان به‌دنبال هم در نظر گرفت.

طبیعی است آنجا که روایت ماجرا از یک فضا به فضای دیگر تغییر می‌یابد، ادامه ماجرا در فضای دوم از همان نقطه زمانی‌ای که بار قبل در آن متوقف شده بود، روایت گردد. این امر در بعضی موارد مستلزم آن است که در توالی زمانی آیات، عقب‌گرد اتفاق افتد. این توصیف ساده از الگوی روایت‌گری این آیات، به‌سادگی تمام معضلات شکل گرفته در میان آثار تفسیری را که بعضاً باعث درج آراء تکلف‌آمیزی در آثار تفسیری نیز شده است، حل می‌کند.

۳.۳. خوانش روایت طوفان نوح(ع) بر اساس الگوی رگ‌برگی

آیات ۲۵ تا ۴۹ سوره هود(ع) به داستان قوم نوح(ع) اختصاص داده شده است که در این میان، آیات ۴۰ تا ۴۸ سوره، روایت‌گر ماجرای طوفان هستند. بررسی این آیات نشان می‌دهد که آیات ۲۵ تا ۳۹، یعنی آیات قبل از شروع طوفان، در یک توالی زمانی به‌دنبال هم قرار گرفته‌اند؛ «خداوند نوح(ع) را به سوی قوم ارسال می‌کند. نوح(ع) ایشان را به عبادت خداوند امر می‌کند و از عذابی در آینده انذار می‌دهد، اما قوم به مخالفت با او برخاسته و او را دروغ‌زن می‌دانند و از او می‌خواهند عذابی را که به ایشان وعده داده است، بر سرشان فرود آورد. بعد از آن خداوند به نوح(ع) امر می‌کند که به ساختن کشتی روی آورد. قوم نوح(ع) او را به سخره می‌گیرند، اما در مقابل نوح(ع) ایشان را به عذاب وعده می‌دهد» [هود(ع): ۲۵-۳۹]، اما با شروع طوفان در آیه ۴۰، دیگر این توالی زمانی هم، در آیات دیده نمی‌شود. گویا کلام گوینده نیز از آن طوفان سهمگین متأثر شده است و تلاطم امواج چون کوه آن، در شیوه روایت‌گری خداوند نیز سرایت کرده و

توالی زمانی روایت طوفان را نیز متلاطم کرده است. این موضوع، یعنی هماهنگی قالب و ساختار جملات قرآن کریم با محتوا و معانی آن جملات، از جمله زیبایی‌های کلام الله است که کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

در آیه ۴۰ با عبارت «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ» روایت ماجرای طوفان شروع می‌شود. این عبارت نقطه شروع الگوی رگ‌برگی است و رگ‌برگ‌های فضای مثبت و منفی از این نقطه آغاز می‌گردند. در ادامه، روایت طوفان در فضای مثبت پی‌گرفته می‌شود. خداوند به نوح(ع) فرمان می‌دهد که چند گروه از جمله خانواده خود و مؤمنان را در کشتی سوار کند. بعد از آن نوح(ع) اعلام می‌کند که همگان در کشتی، که جریان یافتن و لنگر انداختن آن با «اسم الله» است، سوار شوند [هود(ع): ۴۱] و کشتی ایشان را در میان امواج کوه‌پیکر به پیش می‌برد: «وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ» [هود(ع): ۴۲]؛ اما پس از این جمله، خداوند با به میان کشیدن موضوع گفتگوی میان نوح(ع) و فرزندش، فضای روایت‌گری را از فضای مثبت به فضای منفی که پسر نوح(ع) نماینده آن است، تغییر می‌دهد. این آغاز روایت‌گری خداوند در فضای منفی و نخستین رگ‌برگ منفی در الگوی رگ‌برگی است. بنابراین ماجرای گفتگوی میان نوح(ع) و فرزندش باید از نقطه آغاز الگوی رگ‌برگی، یعنی بعد از آمدن امر طوفان و شروع مقدمات آن روایت گردد. لذا از نظر زمانی، این گفتگو در آستانه برپایی طوفان و شروع فوران آب از تنور بوده است. یعنی زمانی که خداوند به نوح(ع) فرمان می‌دهد تا خانواده خود را همراه مؤمنان در کشتی حمل کند. در این شرایط است که نوح(ع) فرزندش را، به عنوان یکی از اعضاء خانواده خود، به سوار شدن در کشتی فرا می‌خواند.

بر این اساس دیگر نیازی نیست که «معزل» را که محل عزلت و گوشه‌ای است که پسر نوح(ع) در آن از آب و طوفان پناه گرفته بود، مانند برخی تفاسیر بر معانی بعیدی مانند محل عزلت از مؤمنین یا کفار و یا اعتقادات پدر حمل کنیم [۱۰، ج ۳، ص ۱۳۵؛ ۱۲، ج ۲، ص ۳۹۶؛ ۲۰، ج ۵، ص ۲۴۹]. شاید این تفاسیر از آنجا که پس از وجود امواجی به اندازه کوه، تصور پناه گرفتن در یک گوشه را ناممکن دیده‌اند به‌چنین معانی دور از ظاهری متمایل شده‌اند.

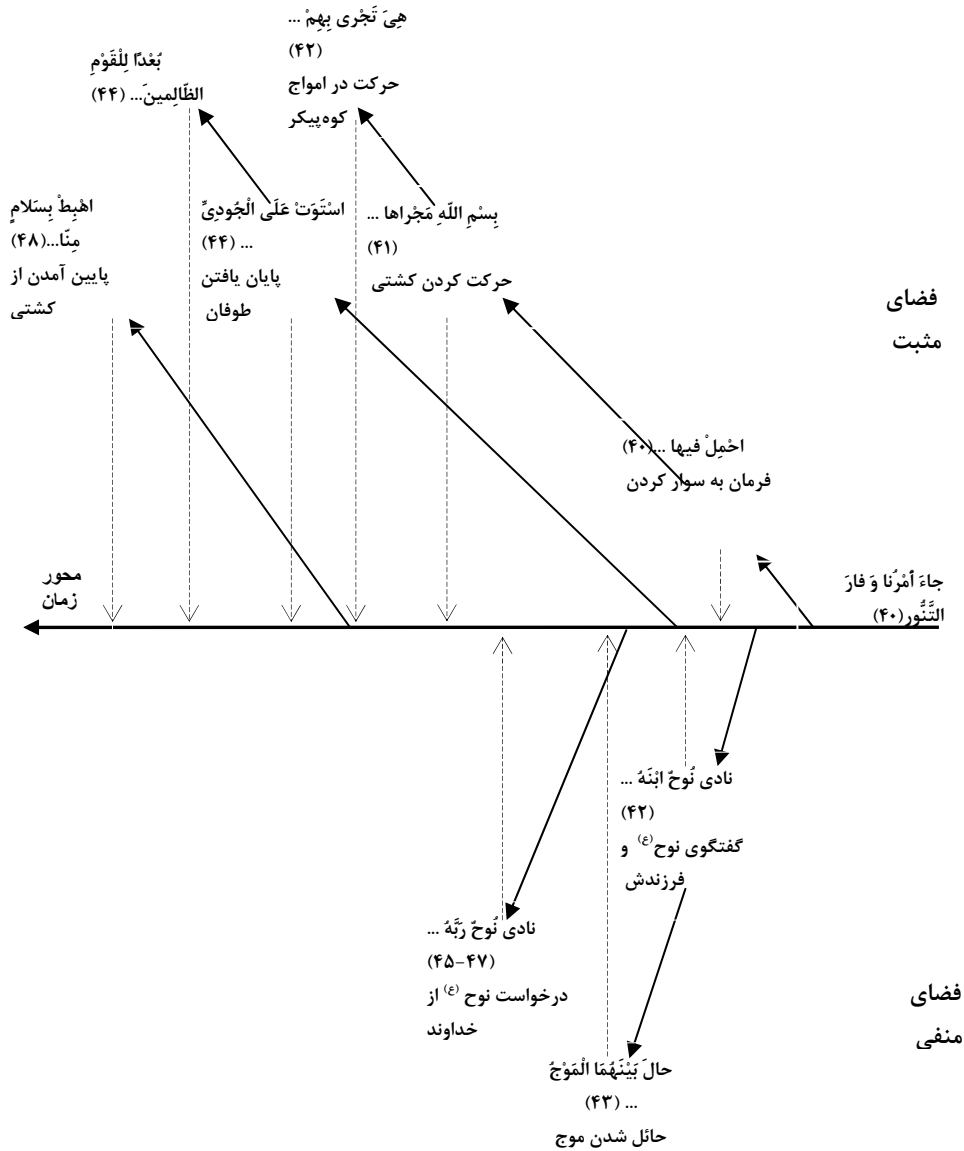
در آیه ۴۳ روایت ماجرا در فضای منفی ادامه پیدا می‌کند. نوح(ع) در پاسخ به فرزندش که پناه بردن به کوه را راه نجات خویش می‌داند، می‌گوید که در این ماجرا هیچ پناهی جز خداوند وجود ندارد. در نهایت موجی پسر نوح(ع) را می‌رباید و روایت در

فضای منفی در این نقطه زمانی یعنی در ابتدای طوفان به پایان می‌رسد. بنابراین طبق الگوی رگ‌برگی، جایگاه زمانی هر بخشی از ماجرای افراد منفی در صحنه طوفان که بعد از این به آن پرداخته شود نیز در ابتدای طوفان خواهد بود.

اما چرا خداوند بعد از آنکه سوار شدن مؤمنان بر کشتی و حرکت کشتی در امواج طوفان را بیان کرده است، با یک عقب‌گرد در زمان، به روایت فضای منفی پرداخته است؟ این جابه‌جایی فضای صحبت برای توصیف صحنه طوفان ضروری به نظر می‌رسد، چرا که یکی از مهمترین خصوصیات این صحنه را در گفتگوی نوح(ع) با فرزندش می‌یابیم. نوح(ع) می‌گوید: در این طوفان هیچ پناه‌گاهی جز خداوند وجود ندارد: «قال لا عاصمَ الْیَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ» [هود(ع): ۴۳]. مؤمنان به نوح(ع) چنان تربیت شده‌اند که پیش از وقوع طوفان با خصوصیات آن آشنا هستند و چنین موضوعی را ناگفته می‌دانند. بنابراین فقط در گفتگوی نوح(ع) و فرزندش می‌توان این توصیف مهم از صحنه را یافت.

در آیه ۴۴ خداوند، روایت ماجرا را در فضای مثبت از سر می‌گیرد. ماجرای طوفان در فضای مثبت تا جریان یافتن کشتی در میان موج‌های چون کوه، در جمله ابتدایی آیه چهل و دو، روایت شده بود. بنابراین در ادامه آن صحنه، پایان یافتن طوفان و قرار گرفتن کشتی بر کوه جودی به تصویر در آمده است.

از آیه ۴۵ روایت ماجرا در فضای منفی که در پایان آیه ۴۳ از لحاظ زمانی در اوایل طوفان و صحنه ربوده شدن فرزند نوح(ع) توسط موج متوقف شده بود، ادامه می‌یابد. درخواست نوح(ع) برای نجات پسرش که البته برپایه وعده خدا به نجات اهل اوست، درست پس از ربوده شدن فرزند توسط موج کاملاً منطقی جلوه می‌کند. پس، آیه ۴۵ از لحاظ زمانی درست در ادامه آیه ۴۳ قرار دارد و مربوط به آغاز طوفان است. ماجرا در فضای منفی که تنها حاشیه ماجرای اصلی است، در انتهای آیه ۴۷ در فضای صحبت نوح(ع) با خدا پایان می‌یابد و دیگر ادامه پیدا نمی‌کند. با این توضیحات مشکل زمان در آیات ۴۲ و ۴۵ حل می‌شود و بازگشت‌هایی که در زمان اتفاق می‌افتند، پشتوانه‌ای منطقی پیدا می‌کنند و قابل تشخیص و حتی پیش‌بینی هستند. شکل شماره (۲) نمایی از این الگوی رگ‌برگی را نشان می‌دهد.



شکل شماره ۲. الگوی رگ‌برگی آیات روایت‌گر طوفان نوح(ع) در سوره هود(ع)

۴. برداشت‌های تفسیری نو از آیات طوفان نوح(ع)

نگاه به آیات روایت‌گر طوفان نوح(ع) بر اساس توالی جدیدی که الگوی رگ‌برگی بین آنها حاکم می‌کند، علاوه بر برطرف کردن چالش‌های تفسیری این آیات، عرصه

جدیدی را برای پژوهش‌های تفسیری در این آیات می‌گشاید. بررسی مقوله جریان «سلام» بر نوح(ع) و امت‌های همراه او که در آیه ۴۸ بیان شده است، از این جمله است. مفسران مراد از «سلام» از جانب خداوند را در این آیه، مطلق درود و تحیت یا در امان نگاه‌داشتن از مکاره و آفات دانسته‌اند [۱۳، ص ۲۳۲؛ ۲۰، ج ۵، ص ۲۵۵؛ ۲۱، ج ۱۲، ص ۳۴؛ ۲۳، ج ۵، ص ۴۹۷]، اما معلوم نکرده‌اند در امان نگاه‌داشتن از کدام مکاره یا آفات. در اینجا نیز صاحب المیزان فراتر از بسیاری از مفسران، پاسخی به این پرسش ارائه کرده است. وی با توجه به سیاق آیات، مراد از سلام خداوندی را در امان نگاه‌داشتن از عذاب طوفان دانسته است [۱۹، ج ۱۰، ص ۳۹۵].

اما سیر آیات نشان می‌دهد، مقوله سلام بعد از پایان یافتن طوفان، فروکش کردن آب و قرار گرفتن کشتی بر جودی [هود(ع): ۴۴] و حتی بعد از فرود آمدن نوح(ع) از کشتی [هود(ع): ۴۸] بوده است. بنابراین بی‌شک جریان مقوله سلام برای در امان نگاه‌داشتن از عذاب طوفان نیست، چرا که در این صورت، «سلام» در ابتدای طوفان و در آستانه ورود به آن صحنه پرخطر، جایگاه می‌یابد، نه در انتهای آن و پایان یافتن تمام آن صحنه‌های پرخطر و سهمگین. با توجه به جریان مقوله «سلام»، بعد از پایان یافتن طوفان، سلامت و در امان نگاه‌داشتن، باید در ارتباط با مکاره و خطرهایی باشد که بعد از طوفان متوجه نوح(ع) و مؤمنان قوم او باشد، اما کدام مکاره و خطرها؟

بر اساس الگوی رگ‌برگی آیات ۴۴ و ۴۸ سوره هود(ع)، در کنار یکدیگر و در فضای مثبت جای گرفته‌اند و لذا این دو آیه در سیر زمانی باید به دنبال هم در نظر گرفته شوند. بنابراین جمله «قِيلَ يَا نُوحُ اهْبِطْ بِسَلَامٍ مِنَّا» در ابتدای آیه ۴۸ باید در ارتباط با جمله پایانی آیه ۴۴ یعنی «وَقِيلَ بَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» معنا پیدا کند. از سوی دیگر جملات هر دو آیه نیز با فعل مجهول «قيل» بیان شده‌اند؛ این هم‌سان بودن شکل گویش دو آیه که کاملاً منطبق بر الگوی رگ‌برگی پیشنهاد شده برای نظام چینش این آیات است، قرینه دیگری است برای به دنبال هم دانستن این دو آیه.

جمله «وَقِيلَ بَعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» که بعد از پایان طوفان مطرح شده است، می‌تواند اشاره به گروهی از ظالمان داشته باشد که از مهلکه طوفان رسته‌اند و بعد از طوفان نیز باقی مانده‌اند. این گروه با توجه به عظمت، فراگیری و شدت طوفان، نمی‌توانند در زمره انسان‌ها و بلکه موجوداتی مادی باشند. چه بسا ظالمان مورد ذکر، افرادی از زمره جنیان و شیاطین باشند. در منابع روایی نیز به از سرگیری نسل بنی‌آدم از مؤمنان قوم نوح(ع) و

حضور جنیان در زمان طوفان نوح(ع) و باقی ماندن ایشان بعد از طوفان [۴، ص ۱۷۵؛ ۱۶، ج ۱، ص ۲۴۱؛ ۱۸، ج ۱، صص ۹۸-۱۰۰] اشاره شده است. بنابراین مقولهٔ سلام که خداوند بر نوح(ع) و امت‌های همراه ایشان قرار می‌دهد، کاملاً در ارتباط با جملهٔ «وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ» معنا پیدا می‌کند. جریان مقولهٔ سلام بر انسان‌ها بعد از پایان طوفان نوح(ع) می‌تواند همان بروز دور گرداندن «قوم ظالمین» یعنی شیاطین و آزار و وسوسه‌های ایشان از فضای زندگی مؤمنین باشد که در آیهٔ ۴۴ به عنوان یک حکم الهی بیان شده است.

مسئلهٔ دیگری که با توجه به این الگو پاسخی نو می‌یابد، مسئلهٔ ناآگاه بودن نوح(ع) از این موضوع است که پسرش «اهل» او نیست. این موضوع بیشترین بحث را در آثار تفسیری مربوط به این آیات به خود اختصاص داده است. مفسران در توضیح این موضوع چند قول را مطرح کرده‌اند: نخست آنکه پسر نوح(ع) بر دین او نبود؛ دوم آنکه وی ریب نوح(ع) بوده است؛ و دیگر آنکه وی فرزند نوح(ع) نبوده، بلکه حاصل خیانت همسر نوح(ع) بوده است [۲۰، ج ۵، ص ۲۵۴؛ ۲۳، ج ۵، ص ۴۹۴؛ ۲۵، ج ۱۸، ص ۳۵۷]، اما این اقوال علاوه بر اینکه بعضاً از ساحت مقدس رسولان اولوالعزم(ع) به دور است، با ظاهر آیات نیز هم‌خوانی ندارند [۱۹، ج ۱۰، صص ۳۵۲ و ۳۵۳].

اما با توجه به ساختاری که برای این آیات معرفی شد، درخواست نوح(ع) دربارهٔ فرزندش و پاسخ خداوند به او در آستانهٔ برپایی طوفان بوده است. خداوند با خطاب خود به نوح(ع) که فرزندت «اهل» تو نیست چرا که «صالح» نیست، قانون جدیدی را معرفی می‌کند. در صحنهٔ طوفان تنها صالحان از میان خویشاوندان، «اهل» شخص به حساب می‌آیند. تا پیش از طوفان فرزند نوح(ع) اهل او بوده است، از همین رو، وی که می‌داند ارادهٔ خداوند به نجات اهل او از طوفان تعلق گرفته است [هود(ع): ۴۰]، برای فرزند خود طلب نجات می‌کند، اما خداوند با بیان اینکه در صحنهٔ جدید پیش‌رو، صالحیت معیار اهلیت است، وی را از قوانینی که بر صحنهٔ طوفان حاکم هستند، مطلع می‌کند و عجیب نیست که نوح(ع) در آغاز طوفان، هنوز بر تمام این قوانین اشراف نداشته باشد. به این ترتیب نیازی نیست که نوح(ع) را ناآگاه از وضعیت فرزندش بدانیم که احتمالی دور از شأن وی است، بلکه نوح(ع) در آستانهٔ طوفان و زمانی که هنوز کشتی جریان پیدا نکرده، از قوانین جدید حاکم شده بر صحنهٔ طوفان بی‌اطلاع بوده است.

نشانه‌های دیگری وجود دارد که روشن می‌سازد، بر صحنهٔ طوفان و جریان یافتن کشتی در آن قوانینی غیر عادی و غیر دنیایی حاکم بوده است؛ حرکت کردن کشتی

نوح(ع) که از پاره‌های چوب ساخته شده در میان امواجی به بلندی کوه که کشتی‌های امروزی نیز نمی‌توانند در آن دوام بیاورند، آن هم در زمانی بیش از چند ماه، جریان یافتن و لنگر انداختن کشتی با «اسم الله» [هود(ع): ۴۱] و مأمور بودن کشتی به طواف کعبه [ج ۹، ص ۱۰۷؛ ۱۷، ج ۲، ص ۲۳۰؛ ۲۷، ج ۴، ص ۲۱۲]، پذیرش این احتمال را که بر صحنه طوفان قوانینی غیر عادی و غیر دنیایی حاکم بوده است، میسر می‌کند.

از سوی دیگر در آیه ۱۰۳ سوره هود(ع)، ماجراهایی از رسولان(ع) که در این سوره نقل شده و از جمله صحنه طوفان نوح(ع)، آیه شمرده شده است: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً». بنابراین بشریت در مقاطع پیش‌رو در آینده، با صحنه‌هایی مواجه خواهد بود که در آن صحنه‌ها روابط و قوانین حاکم بر طوفان نوح(ع) حاکم خواهند بود. اگر معیار بودن صالحیت برای اهل بودن، به‌عنوان یکی از این قوانین در نظر گرفته شود، باید بتوان در قرآن کریم صحنه‌هایی مربوط به آینده را یافت که این قانون در آن‌ها نیز حاکم باشد. در آیه ۲۳ سوره الرعد، سخن از بهشت‌هایی با عنوان «جنات عدن» به‌میان آمده است که گروهی از مؤمنان در آن وارد می‌شوند، اما از بین خویشاوندان ایشان تنها کسانی می‌توانند همراه این گروه در این بهشت‌ها وارد شوند که صالح باشند: «جَنَّاتُ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ» [الرعد: ۲۳]. این افراد از لعنت و سرانجام سوء که در آیه ۲۵ سوره الرعد به‌آن اشاره می‌شود، در امان هستند. مطابق آیه ۸ سوره الغافر نیز گروهی از مؤمنان در «جنات عدن» وارد می‌شوند. در اینجا نیز تنها صالحان از خویشاوندان ایشان می‌توانند همراه این مؤمنان در این بهشت‌ها وارد شوند: «رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتِ عَدْنِ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ» و دیگران در عذاب جحیمی که در آیه ۷ این سوره به‌آن اشاره شده است، وارد می‌شوند.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، در این دو سوره سخن از عذابی فراگیر و سخت به‌میان آمده است که تنها مؤمنان و صالحان از اهل ایشان که در «جنات عدن» وارد می‌شوند، از آن در امان خواهند بود. یعنی صحنه‌ای کاملاً مشابه با صحنه طوفان نوح(ع). «معیار بودن صالحیت برای اهلیت و ورود به فضای امن از عذاب فراگیر» نیز، قانونی است که در میان این صحنه‌ها مشترک است. بنابراین طوفان نوح(ع)، نخستین صحنه‌ای است که خداوند این قانون را، به‌عنوان یک آیه و برای آشنایی انسان‌ها با قوانین حاکم بر صحنه‌های پیش‌رو، در آن اعمال کرده است. نوح(ع) نیز در ابتدای طوفان با این قانون آشنا نبوده است و لذا درخواست نجات فرزند خود را مطرح کرده است.

بحث و نتیجه‌گیری

برخی از مفسران کوشیده‌اند آیات روایت‌گر طوفان نوح(ع) در سوره هود(ع) را به‌گونه‌ای تفسیر کنند که توالی آیات سوره هود(ع) بر سیر زمانی وقوع حوادث منطبق گردد. گروه دیگر از مفسران عدم رعایت توالی زمانی در این آیات را پذیرفته‌اند؛ اما تلاش‌های هر دو گروه با تعارض‌هایی مواجه شده است که از سوی این مفسران پاسخ درخوری به آن‌ها داده نشده است. بررسی این آیات به عنوان جزئی از پیکره سوره هود(ع) روشن می‌سازد که:

۱. شیوه روایت‌گری ماجرای طوفان نوح(ع) در این سوره دارای سه ویژگی است: اولاً رفتارهای دو گروه کافران و مؤمنان به صورت کاملاً تمایز یافته شرح داده شده است؛ ثانیاً سرانجام هر دو گروه به صورت مستقل از یکدیگر در صحنه عذاب توصیف شده است و ثالثاً به رفتارها و سرانجام کافران پیش از بیان رفتارها و سرانجام مؤمنان اشاره رفته است. التزام هم‌زمان یک روایت به این سه ویژگی، الگویی از روایت‌گری را پدید می‌آورد که می‌توان آن را «الگوی رگ‌برگی» نامید.

۲. با تفکیک جملات مربوط به دو گروه مؤمنان و کافران از یکدیگر و قرار دادن آن‌ها در الگوی رگ‌برگی، طرحی از کل وقایع ماجرای طوفان به ترتیب زمان وقوع شکل خواهد گرفت، اما از آنجا که آیات مربوط به دو گروه در میان یکدیگر جای گرفته‌اند، نمی‌توان کل این آیات را در یک چینش خطی، بر محور زمان به دنبال هم در نظر گرفت.

۳. الگوی رگ‌برگی تبیین درخوری برای نظام چینش این آیات به دست می‌دهد. این الگو نخست روشن می‌سازد که گفتگوی میان نوح(ع) و فرزندش در آستانه بریابی طوفان انجام گرفته است و نه بعد از به حرکت در آمدن کشتی، آن‌چنان که ظهور ابتدایی آیه ۴۲ سوره هود(ع) نشان می‌دهد. بر این اساس، دیگر نیازی به بیان معانی دور از ظاهر برای واژه «معزل» در این آیه نیست. دوم آنکه دعای نوح(ع) برای نجات فرزندش نه بعد از پایان یافتن طوفان، آن‌چنان که ترتیب آیات سوره هود(ع) نشان می‌دهد، بلکه درست پس از روبرو شدن فرزند نوح(ع) توسط موج صورت گرفته است.

۴. مطابق این چینش، جریان مقوله «سلام» بر انسان‌ها بعد از پایان طوفان نوح(ع)، می‌تواند همان بروز دور گرداندن «قوم ظالمین» یعنی شیاطین و آزار و وسوسه‌های ایشان از فضای زندگی مؤمنین باشد که در آیه ۴۴ به عنوان یک حکم الهی بیان شده است. درخواست نوح(ع) برای نجات فرزند نیز نه به دلیل ناآگاهی یک رسول اولوالعزم از وضعیت اعتقادی فرزند خویش، بلکه به دلیل حاکم شدن قانونی جدید در صحنه طوفان

بوده است؛ یعنی «معیار بودن صالحیت برای اهلیت و ورود به فضای امن از عذاب فراگیر» که نوح(ع) در ابتدای طوفان با آن نا آشنا بود.

منابع

- [۱]. قرآن کریم.
- [۲]. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵). *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم*. بیروت، دارالکتب العلمیه.
- [۳]. ابن اثیر، عزالدین علی (۱۳۷۴). *الکامل فی التاریخ*. مترجم: ابوالقاسم حالت و عباس خلیلی، تهران، نشر داد.
- [۴]. ابن اشعث، محمد بن محمد (؟). *الجغریات*. تهران، مکتبه النینوی الحدیثه.
- [۵]. ابن عاشور، محمد بن طاهر (؟). *التحریر و التنویر*. بی جا، بی نا.
- [۶]. ابن عجیبه، احمد بن محمد (۱۴۱۹). *البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید*. قاهره، ناشر دکتر حسن عباس زکی.
- [۷]. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸). *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- [۸]. اندلسی، ابوحیان محمد بن یوسف (۱۴۲۰). *البحر المحیط فی التفسیر*. بیروت، دارالفکر.
- [۹]. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۶). *البرهان فی تفسیر القرآن*. تهران، بنیاد بعثت.
- [۱۰]. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸). *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۱۱]. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی (۱۳۷۶). *النوادر*. تهران، بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور.
- [۱۲]. زمخشری، محمود (۱۴۰۷). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. بیروت، دارالکتب العربی.
- [۱۳]. شبر، سید عبدالله (۱۴۱۲). *تفسیر القرآن الکریم*. بیروت، دارالبلاغه للطباعه و النشر.
- [۱۴]. شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳). *تفسیر شریف لاهیجی*. تهران، دفتر نشر داد.
- [۱۵]. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵). *الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن*. قم، انتشارات فرهنگ اسلامی.
- [۱۶]. صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸). *عیون أخبار الرضا(ع)*. تهران، نشر جهان.
- [۱۷]. _____ (۱۴۱۳). *من لا یحضره الفقیه*. قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- [۱۸]. صفار، محمد بن حسن (۱۴۰۴). *بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد(ص)*. قم، مکتبه آیه - الله المرعشی النجفی.
- [۱۹]. طباطبائی، سید محمد حسین (۱۳۷۴). *المیزان فی تفسیر القرآن*. مترجم: سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
- [۲۰]. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران، انتشارات ناصر خسرو.
- [۲۱]. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت، دارالمعرفه.

- [۲۲]. طنطاوی، سید محمد (۴). *التفسیر الوسیط للقرآن الکریم*. بی‌جا، بی‌نا.
- [۲۳]. طوسی، محمدبن حسن (۴). *التبیین فی تفسیر القرآن*. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۲۴]. عیاشی، محمدبن مسعود (۱۳۸۰). *تفسیر العیاشی*. تهران، المطبعه العلمیه.
- [۲۵]. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۴۲۰)، *مفاتیح الغیب*. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۲۶]. کاشانی، ملا فتح‌الله (۱۴۲۳). *زیده/تفاسیر*. قم، بنیاد معارف اسلامی.
- [۲۷]. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷). *الکافی*. تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- [۲۸]. گلدزیهر، ایگناس (۱۳۵۷). *درس‌هایی درباره اسلام*. مترجم: علی‌نقی منزوی، تهران، کمان‌گیر.
- [۲۹]. مراغی، احمدبن مصطفی (بی‌تا). *تفسیر المراغی*. بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- [۳۰]. مصطفوی، حسن (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*. تهران، مرکز نشر کتاب.
- [۳۱]. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). *تفسیر نمونه*. تهران، دار الکتب الإسلامیه.
- [۳۲]. نخجوانی، نعمت‌الله بن محمود (۱۹۹۹). *الفوائیح الإلهیه و المفاتیح الغیبیه*. مصر، دار رکابی للنشر.
- [۳۳]. نیلساز، نصرت (۱۳۸۷). *بررسی و نقد دیدگاه ونزبرو درباره تثبیت نهایی متن قرآن*. مقالات و بررسی‌ها، تهران، تابستان ۱۳۸۷، دفتر ۸۸، صص ۱۵۱-۱۷۰.
- [۳۴]. یعقوبی، احمد (۱۳۷۱). *تاریخ یعقوبی*. مترجم: محمدابراهیم آیتی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.